

## بررسی تأثیر حکمرانی خوب بر نرخ تورم در کشورهای در حال توسعه و توسعه یافته

سامان قادری

استادیار و عضو هیأت علمی دانشگاه کردستان (نویسنده مسئول)  
s.ghaderi@uok.ac.ir

شنو دبیری

دانشجوی کارشناسی ارشد علوم اقتصادی دانشگاه کردستان  
shno\_dab@yahoo.com

فریبا شهیدی

دانشجوی کارشناسی ارشد علوم اقتصادی دانشگاه کردستان  
shahidifariba21@gmail.com

### چکیده

هدف این پژوهش بررسی تأثیر حکمرانی خوب بر نرخ تورم در کشورهای توسعه یافته و کشورهای در حال توسعه می‌باشد. در این مطالعه ابتدا تأثیر مجزای شاخص‌های حکمرانی خوب بر نرخ تورم، و سپس تأثیر جمعی شاخص‌های حکمرانی خوب بر نرخ تورم در بازه زمانی ۲۰۱۴-۲۰۰۲ و با استفاده از مدل داده‌های ترکیبی (Panel Data) مورد ارزیابی قرار گرفته است. همچنین از طریق محاسبه میانگین حسابی شاخص‌های حکمرانی خوب، شاخص کلی حکمرانی خوب معرفی شده و تأثیر آن بر نرخ تورم مورد ارزیابی قرار گرفته است. نتایج حاصل از تخمین مدل‌ها نشان می‌دهد که در کشورهای در حال توسعه شاخص‌های کنترل فساد و اثربخشی و کیفیت قوانین و مقررات و ثبات سیاسی و حاکمیت قانون تأثیر معنادار بر نرخ تورم دارند. ضریب شاخص حق اظهار نظر و پاسخگویی معنادار نیست. شاخص‌های کنترل فساد و اثربخشی دولت و ثبات سیاسی و حق اظهار نظر و حاکمیت قانون دارای تأثیر منفی و شاخص کیفیت قوانین و مقررات دارای تأثیر مثبت بر نرخ تورم هستند. شاخص اثربخشی دولت بیشترین تأثیر را بر نرخ تورم دارد. در کشورهای توسعه یافته ضریب شاخص‌های حکمرانی خوب معنادار نیست. شاخص‌های کنترل فساد و اثربخشی دولت و کیفیت قوانین و مقررات و حاکمیت قانون تأثیر منفی و شاخص‌های ثبات سیاسی و حق اظهار نظر تأثیر مثبت بر نرخ تورم دارند. شاخص کیفیت قوانین و مقررات بیشترین تأثیر را بر نرخ تورم در این گروه کشورها داشته است.

**واژگان کلیدی:** نرخ تورم، حکمرانی خوب، کشورهای توسعه یافته، کشورهای در حال توسعه، مدل داده‌های ترکیبی



## The Impact of Good Governance on Inflation in Developed and Developing Countries

**Saman Ghaderi**

Assistant Professor of Economics, University of Kurdistan

**Fariba Shahidi**

MA student in Economics, University of Kurdistan

**Shno Dabiri**

MA student in Economics, University of Kurdistan

### Abstract

The purpose of this study is to evaluate the impact of good governance on inflation in developed and developing countries. This study shows collective and separated effects of good governance indicators on inflation rate during 2002-2014 using panel data model. The results show that in developing countries, corruption control indicator, the quality and effectiveness of laws and regulations, political stability and the rule of law have a significant impact on inflation. Accountability indicator coefficient is not significant. Indicators of corruption control and government effectiveness and political stability and cementation right and the law jurisdiction have a negative impact and quality Indicator rules and regulations have a positive impact on the inflation rate. Government effectiveness indicator has the greatest impact on inflation. Also, the results indicate that in developed countries the indicators of good governance do not have significant effects on inflation.

**Key words:** inflation, good governance, developed and developing countries, panel data

## مقدمه

تورم پدیده‌ای پیچیده و دارای ابعاد گوناگون است. در تعریفی ساده، متداول و مورد قبول اغلب اقتصاددانان تورم وضعیتی است که سطح عمومی قیمت‌ها به طور مداوم و به مرور زمان افزایش می‌یابد، بنابراین عنصر زمان و استمرار افزایش سطح عمومی قیمت‌ها در تعریف تورم اهمیت بسیاری دارد (رضاصمدی، ۱۳۹۲). تورم به عنوان یکی از متغیرهای اقتصادی در دنیای کنونی، همواره باعث نگرانی دولت‌مردان و صاحب‌نظران اقتصادی بوده است. در چارچوب مکاتب کلاسیک و پولیون، تورم پدیده‌ای پولی و انعکاسی از تغییرات رشد مستمر و بالای حجم پول است. بنابراین، از جمله مهمترین عوامل موثر بر نرخ تورم، متغیر حجم پول است (آمیسانو و فاگان، ۲۰۱۰). پدیده‌ی تورم در بیشتر کشورهای جهان، کم و بیش وجود دارد. اما نرخ آن، در جوامع و زمان‌های گوناگون فرق می‌کند. این پدیده در دوره‌های اخیر در کشورهای توسعه یافته، کمتر مشکل آفرین بوده است زیرا این کشورها گرفتار تورم شدید و مزمن نیستند. اما کشورهای در حال توسعه با تورم‌های شدید مواجهند که آثار منفی بسیاری مانند افزایش نابرابری در توزیع درآمد، افزایش مصرف، کاهش پس انداز سرمایه‌گذاری، انحراف منابع به تولید کالاها و خدمات غیرضروری، کاهش رشد اقتصادی و گسترش انواع فسادهای مالی، اداری را به دنبال دارد. (غلامرضا سرآبادانی، ۱۳۸۵).

اصل تورم پدیده‌ی نامطلوب اقتصادی است که هزینه‌های بسیاری بر جامعه تحمیل می‌کند. تورم در سطوح بالا علاوه بر آنکه نظام قیمت‌ها را مختل می‌کند موجب کاهش پس‌اندازها، از بین رفتن انگیزه‌های سرمایه‌گذاری و فرار سرمایه از بخش‌های واقعی به سمت فعالیت‌های سفته بازی و در نهایت کندشدن رشد اقتصادی می‌شود. براساس تعریف لیدلر (۱۹۷۶) تورم افزایش مستمر در سطح عمومی قیمت‌ها یا به عبارتی کاهش مستمر قدرت خرید پول می‌باشد (سیده وجیهه میکائیلی، ۱۳۹۲). در جوامع با اقتصاد حجیم نرخ تورم به عنوان پدیده‌ای پولی و غیر قابل کنترل مطرح می‌شود، اما باید توجه داشت که نگاه پولی صرف به این موضوع با وجود شواهد نظری و تجربی متعدد در ارتباط با وجود رابطه بین متغیرهای نهادی - که اثربخشی دولت نیز یکی از این متغیرهاست - نرخ تورم، امری غیر منطقی جلوه می‌کند (حسن حیدری، رعناصغری و رقیه علی‌نژاد، ۱۳۹۴).

از اواخر دهه ۱۹۹۰، محافل بین‌المللی سیاستگذاری اقتصادی مانند بانک جهانی، برنامه عمران سازمان ملل و تا حدودی صندوق بین‌المللی پول، سیاستی به نام حکمرانی خوب را به عنوان کلید معمای توسعه مطرح نمودند. حکمرانی در لغت به معنای اداره و تنظیم امور است و به رابطه میان شهروندان و حکومت‌کنندگان اطلاق می‌شود، به بیان دیگر هر قدر حاکمیت قانون بیشتر و دستگاه قضایی کارآمدتر و عادلانه‌تر و میزان مشارکت در یک کشور بیشتر باشد، حکمرانی در آن کشور بهتر است (میدری، ۱۳۸۳). حکمرانی خوب در سه دهه‌ی اخیر به شدت مورد توجه محققان علوم اجتماعی بوده است. (کرمانی و باسرخا، تحقیقات اقتصادی بهار ۱۳۸۸) شاخص حکمرانی خوب کلیات نظام سیاسی و اقتصادی کشورها را نمایان می‌سازد. (حیدری احمد، رفاه اجتماعی پاییز ۱۳۸۵) حکمرانی خوب در اتخاذ سیاست‌های پیش‌بینی شده، آشکار و صریح دولت، بوروکراسی شفاف، پاسخگویی دستگاه‌های اجرایی در قبال فعالیت‌های خود، مشارکت فعال مردم در امور اجتماعی و سیاسی و نیز برابری همه‌ی افراد در برابر قانون، تبلور می‌یابد. (کرمانی و باسرخا، تحقیقات اقتصادی بهار ۱۳۸۸) به طور کلی می‌توان گفت که حکمرانی خوب، تمرین مدیریت منابع یک کشور برای رسیدن به اهداف تعیین شده می‌باشد این تمرین دربرگیرنده راهکارها و نهادهایی است که افراد و گروه‌های اجتماعی از طریق آن توانایی دنبال کردن علایق و حقوق قانونی خود را با توجه به محدودیت‌ها داشته باشند. حکمرانی خوب دارای مشخصه‌های زیر می‌باشند: مشارکتی، اجتماع محور، مسئولیت‌پذیر، شفاف، پاسخگو، اثربخش و کارا، منصفانه و همه‌گیر و پیرو حکومت و قانون. این شکل حکمرانی باعث می‌شود که فساد به حداقل ممکن کاهش یابد. (فرهنگ علوم اجتماعی، گولد-کولب، ترجمه‌ی محمد جواد زاهدی).

در عصر حاضر تورم یکی از مهمترین و حساس‌ترین مقولات اقتصادی است و بررسی و تحلیل آن می‌تواند نقش بسزایی در تحلیل و تبیین مسائل اقتصادی داشته باشد تا بحال برای حل معضل تورم راهکارهایی را ارائه داده‌اند که هر کدام به بخش‌های مختلفی اشاره کرده است.

هدف این پژوهش بررسی عواملی چون بر خورداری مردم از حق اظهارنظر و نظارت بر اعمال حاکمان، ثبات سیاسی، فساد در دستگاه اداری و کارآمدی دولت که تحت عنوان مولفه‌های حکمرانی خوب شناخته می‌شود بر تورم است. به طور کلی در این پژوهش ما می‌خواهیم تاثیر حکمرانی خوب را بر تورم در کشورهای در حال توسعه و توسعه یافته بررسی نماییم.

## مبانی نظری

### ۱. تورم

اصل تورم پدیده نامطلوب اقتصادی است که هزینه‌های بسیاری بر جامعه تحمیل میکند. تورم در سطوح بالا علاوه بر آنکه نظام قیمت‌ها را مختل میکند موجب کاهش پس اندازها، از بین رفتن انگیزه‌های سرمایه‌گذاری و فرار سرمایه از بخش‌های واقعی به سمت فعالیت‌های سفته‌بازی و در نهایت کند شدن رشد اقتصادی میشود. بر اساس تعریف لیدلر (۱۹۷۶) تورم افزایش مستمر در سطح عمومی قیمت‌ها یا به عبارتی کاهش مستمر قدرت خرید پول میباشد.

به لحاظ تئوریک عوامل متعددی به ایجاد تورم منجر می‌شوند که عبارتند از:

الف: تورم ناشی از جاذبه تقاضا یا فشار هزینه

#### ۱- شوک‌های طرف تقاضای کل اقتصاد

در سمت تقاضا اثرسیاست‌های پولی و مالی بر سطح قیمت‌ها و تولید واقعی جامعه مطرح است. عده‌ای با تاکید بر نظریه مقداری پول علت تورم را افزایش تقاضا در اقتصاد می‌دانند، به این صورت که جابه‌جایی منحنی تقاضا به سمت راست موجب افزایش قیمت‌ها می‌شود و طبق این دیدگاه عامل مهمی که موجب افزایش تقاضا می‌شود ماندگاری رشد پول است.

#### ۲- شوک‌های طرف عرضه کل اقتصاد

گروهی دیگر تورم را ناشی از فشار هزینه می‌دانند و می‌گویند وقتی قیمت مواد اولیه و دستمزد افزایش می‌یابد، هزینه تمام شده تولید افزایش یافته و بنابراین قیمت‌ها افزایش می‌یابد.

ب- دیدگاه مکتب انتظارات عقلایی

در این نظریه جاذبه تقاضا و فشار هزینه را چندان نمی‌توان از هم تفکیک کرد زیرا انتظارات به طور همزمان هم طرف عرضه و هم طرف تقاضا را تحت تاثیر قرار می‌دهد. در طرف عرضه از طریق اثرگذاری بر رفتار عرضه‌کنندگان نهاده‌های خدمات تولیدی، منحنی عرضه کل راجابه‌جا می‌کند. در طرف تقاضا نیز ممکن است در سطح خرد شیب تابع تقاضای یک کالا به خاطر انتظارات تورمی مثبت شود و در سطح کلان هم انتظارات سرمایه‌گذاری را تحت تاثیر قرار داده و این امر منحنی تقاضای کل را جابه‌جا می‌کند. از این رو تفکیک اثرات عرضه و تقاضا چندان ساده نیست.

ج- نظریه ساختارگرایی در مورد تورم

طبق این ادعا تورم در ساختارهای متفاوت اقتصادی باید متفاوت تحلیل شود. به عبارت دیگر نظریه مقداری پول و کاربرد آن در مورد تورم عمدتاً در کشورهای توسعه یافته که دارای اقتصاد با ثبات و ساختار مناسب اقتصادی هستند موضوعیت دارد. زیرا گفته می‌شود که در اقتصادهای با انضباط پولی نمی‌توان بدون انتشار پول، قیمت‌ها را در سطح همه گیر افزایش داد و افزایش حجم مبادلات نیازمند انتشار پول بیشتر است. این تحلیل از آن رو در اقتصادهای پیشرفته مصداق دارد که پایه پولی بسیار منضبط است و بانک مرکزی به عنوان مثال مجبور نیست برای تامین کسری بودجه اقدام به فروش ارز کند.

ساختارگرایان معتقدند در کشورهای توسعه نیافته که ساختارهای رقابتی شکل نگرفته، عوامل اقتصادی قدرت قیمت‌گذاری دارند و علاوه بر افزایش عرضه پول، عامل دیگر افزایش سطح قیمت‌ها، اعمال دلخواهانه (( سود درصدی)) است. در واقع به نظر بسیاری، پویایی‌های تورم تحت تاثیر موضوعی با عنوان ((تضادهای توزیعی حل نشده)) است و این بدان معناست که بدلیل فقدان هماهنگی کوتاه مدت و لحظه‌ای بین عوامل اصلی قیمت‌گذار، هر عاملی تصور می‌کند که اگر قیمت محصولات خود را افزایش دهد، دیگران چنین اقدامی نخواهند کرد و به این تصور سهم نسبی بیشتری از محصول ملی نصیب او خواهد شد. در حالیکه دیگران نیز چنین تصویری دارند و بنابراین قیمت‌ها از طریق دستمزد رو به بالا حرکت می‌کند.

موضوع دیگر ((شاخص گذاری)) قیمت براساس نرخ تورم توسط صاحبان عوامل تولید است که موجب افزایش هزینه تولید و بالتبع رشد مجدد نرخ تورم می‌گردد. علاوه بر این کوتاه کردن زمان این شاخص گذاریها مثلا از یک سال به شش ماه موجب می‌شود که تورم با نرخ بیشتری افزایش یابد

## ۲. حکمرانی خوب

در اجماع پساواشنگتنی، دولت و بازار دو نهاد مکمل هستند، نه دو نهاد رقیب. بنابراین به جای بحث از مداخله یا عدم مداخله دولت، باید از کارایی و اثربخشی مداخله دولت سخن گفت. در واقع دولت به عنوان یک نهاد اجتماعی نهادساز، میباید با ایجاد نهادهای کارآمد و توانمند، محیط مناسبی برای تنظیم روابط اقتصادی افراد جامعه به گونه‌ای کم هزینه، ساده و به دور از اتلاف وقت مهیا سازد و از این رهگذر به عنوان دست یاری دهنده بازار، موجبات رشد اقتصادی را فراهم سازد. تدارک موفقیت آمیز این نهادها اغلب تحت عنوان حکمرانی خوب مطرح میشود (مهدوی عادل و همکاران، ۱۳۸۷).

حکمرانی در لغت به معنای اداره و تنظیم امور است و به رابطه میان شهروندان و حکومت کنندگان اطلاق می‌شود، به بیان دیگر هر قدر حاکمیت قانون بیش تر و دستگاه قضایی کارآمدتر و عادلانه تر و میزان مشارکت در یک کشور بیشتر باشد، حکمرانی در آن کشور بهتر است (میدری ۱۳۸۳).

شاخص حکمرانی، رابطه بین عملکرد حکومت و رضایت از زندگی را اندازه گیری می‌کند. این شاخص نشان می‌دهد که چگونه نوع حکومت یک کشور، مستقیماً بر کیفیت زندگی شهروندانش تأثیر میگذارد. شاخص مذکور به اندازه گیری مقدار آزادی یا محدودیتهای اقتصادی و سیاسی که برای شادی و خشنودی شهروندان ضروری می‌باشد، کمک می‌کند.

سازمان های بین المللی مختلف تعاریف متعددی از حکمرانی خوب ارائه نموده اند:

بانک جهانی حکمرانی را به عنوان اقتدار بر مدیریت اقتصادی کشور و منافع اجتماعی آن از طریق سنت ها و نهادهای رسمی و غیررسمی به منظور تحقق رشد و توسعه تعریف می‌کند که مشتمل بر موارد زیر است: فرآیند انتخاب، نظارت و جایگزینی صاحبان قدرت؛ ظرفیت و توانایی دولت برای اداره کارآمد منابع و تدوین و اجرای سیاستهای صحیح؛ احترام شهروندان و دولت به نهادهایی که تعاملات اجتماعی و اقتصادی میان آنها را میسر می‌سازد. برنامه توسعه سازمان ملل متحد در سال ۱۹۹۷ با توسعه تعاریف بانک جهانی، حکمرانی را اعمال قدرت اقتصادی، سیاسی و اداری برای مدیریت امور عمومی یک کشور در همه سطوح می‌داند. (میدری و خیرخواهان، ۱۳۸۳).

شاخص مهم متناسب بودن تعداد کارمندان و به حداقل رساندن نیروهای مازاد در یک سازمان، خود عملکرد و کارایی آن سازمان را متأثر کرده و از متورم شدن ابعاد دستگاه اداری جلوگیری کرده و امکان دریافت حقوق و مزایای مکفی در بین کارمندان بهینه و عاری از فساد را برای تداوم حیات آن دستگاه فراهم می‌کند. این مهم، خود از بروز فساد اداری و در نتیجه تحمیل بار اضافی هزینه به بخش خصوصی جلوگیری می‌کند (رفیق الرحمان، ۱۳۸۴، ص ۲۰۶)

بر اساس برخی شاخصه های مهم دستگاه اداری، شاخص کارایی دولت از طریق شاخص های مرتبطی همچون چگونگی بوروکراسی، میزان تعهد دولت در اجرای سیاست ها، سطح تشریفات اداری کارمندان دولت، کیفیت خدمات عمومی و عدم وابستگی آنها به فشارهای سیاسی محاسبه می‌شود. (سامتی و همکاران، ۱۳۹۰).

## ۳. حکمرانی خوب و تورم

در حالت کلی می‌توان گفت که حکمرانی خوب در قالب عملکرد بهتر نهادها و فرآیندها به منظور تأمین نیازهای جامعه در کنار بهره برداری بهینه از منابع موجود معنی پیدا می‌کند. در این میان، وجود دستگاه اداری کارآمد و بهینه در جامعه منجر به عملکرد بهتر حکومت و افزایش کارایی دولت می‌شود به طوری که این چنین دستگاه اداری قادر به ترویج عدالت اجتماعی، پاسخگویی قوی به نیازهای مردم، متضمن دسترسی عموم به خدمات باکیفیت از قبیل بهداشت و درمان و سطح بهتر تحصیلات و نیز فراهم کردن زمینه دستیابی به سرمایه های تولیدی و توسعه مردم محور و پایدار خواهد بود. (سازمان ملل، ۱۹۹۶)

با وجود اینکه برخی تئوری‌های اقتصاد کلان با عنوان کردن تورم به مثابه یک پدیده پولی در بلندمدت، رشد نقدینگی و عرضه پول را مهم‌ترین عامل مؤثر در افزایش نرخ رشد قیمت‌ها به حساب می‌آورند، تئوری‌ها و مباحث اقتصاد کلان دیگر، علل اصلی را از طرف تقاضا و آن هم نتیجه افزایش مخارج دولتی و کاهش مالیات‌ها می‌دانند. در این میان، تئوری ناسازگاری زمانی و نظریه ادوار سیاسی کسب و کار که توسط (کیدلند و پرسکات ۱۹۷۷ و هیبیز ۱۹۷۷ و نورد هاوس ۱۹۷۵) مطرح شده است که از مهم‌ترین تئوری‌های تأییدکننده ارتباط مثبت و مستقیم بین نرخ تورم و نرخ رشد عرضه پول هستند. همچنین عوامل مؤثر بر تورم در چارچوب چهارگروه از تئوری‌های پولی، تئوری فشار تقاضا، تئوری فشار هزینه و تئوری‌های ساختاری تورم، تبیین می‌شود.

ناکارآمدی دولت در کنترل سیستم مالیاتی، تنظیم ترکیب مخارج خود و نیز کنترل فساد به طور مستقیم از کانال افزایش مخارج دولتی و افزایش مالیات ترمی بر نرخ تورم اثرگذار خواهد بود. این در حالی است که عملکرد بهتر دولت در جهت کاهش فساد اداری و نیز افزایش سطح کارایی دولت، تنها راه جلوگیری از افزایش بیش از حد مالیات‌های تحمیل شده شناخته می‌شود (هانر و کایوب، ۲۰۰۸، ص ۳) و می‌تواند به نحوی از انحاء در کاهش بار اضافی هزینه در بخش خصوصی و در نتیجه پایین آمدن سطح عمومی قیمت‌ها مؤثر باشد. (حیدری، اصغری، علی نژاد ۱۳۹۴)

برخی از اندیشمندان، شاخصه‌های اساسی دستگاه اداری را متضمن عملکرد و کارایی بالای دولت دانسته و اذعان می‌دارند که وجود چنین ویژگی‌ها در دستگاه اداری، قادر است با افزایش دسترسی به سرمایه‌ها و منابع موجود در کشور، توان تولیدی و عرضه را در اقتصاد بالا برده و در نتیجه کنترل سطح عمومی قیمت‌ها را تضمین کند. (حیدری، اصغری، علی نژاد ۱۳۹۴).

### پیشینه تحقیق

کناک و کيفر(۲۰۰۳)، مایور(۱۹۹۵)، کلاگیو(۱۹۹۷)، آلسینا(۱۹۹۸)، لاپوروهمکاران(۱۹۹۸)، کناک(۲۰۰۳)، فنگ(۲۰۰۳)، رابطه مثبت معنی‌داری را میان شاخص‌های حکمرانی خوب که آن را شاخص کیفیت نهادی نامیدند با رشد اقتصادی اثبات نمودند. این مطالعات نشان می‌دهد بهبود حاکمیت قانون و کنترل فساد، اثرات مستقیمی بر توسعه اقتصادی و توسعه انسانی خواهد داشت.

آدوی(۲۰۰۴) در مقاله خود به بررسی اثر حکمرانی شرکتی بر سرمایه‌گذاری مستقیم خارجی در ۳۳ کشور جهان در چارچوب یک الگوی تلفیقی در طی دوره زمانی ۱۹۹۷ تا ۲۰۰۲ پرداخته است. نتایج نشان داد که GDP به عنوان متغیر جانشین شاخص اندازه بازار، تجارت (صادرات + واردات) به صورت درصدی از GDP و شاخص‌های حکمرانی شرکتی، اثرات مثبت و تورم به عنوان متغیر جانشین شاخص بی‌ثباتی اقتصادی، خطوط تلفن و مخارج مصرفی خانوار اثرات منفی بر جریان‌های سرمایه‌گذاری مستقیم خارجی دارند.

آنجلوپولوس و همکاران (۲۰۰۸) در مطالعه خود پیرامون موضوع، کارایی بخش عمومی را برای بررسی رابطه بین اندازه مالی و رشداقتصادی در نظر می‌گیرند و با استفاده از داده‌های ۶۴ کشور توسعه یافته و در حال توسعه طی دوره زمانی ۱۹۸۰-۲۰۰۰ با محاسبه شاخص‌های کارایی بخش عمومی و تحلیل مرزی تصادفی ارائه شده توسط گرین (۲۰۰۵) اذعان می‌دارند که رابطه بین اندازه دولت و تغییرات رشداقتصادی تا حدود زیادی به کارایی دولت بستگی دارد.

هوینه و همکاران (۲۰۰۹)، با استفاده از روش‌های غیرپارامتری، به بررسی تجربی رابطه بین رشد و حکمرانی پرداخته‌اند، آن‌ها از شش شاخص محاسبه شده توسط بانک جهانی و به صورت مجزا به بررسی رابطه بین آن‌ها و رشد اقتصادی پرداخته‌اند، آن‌ها به این نتیجه رسیدند که تنها سه شاخص از شش شاخص محاسبه شده یعنی حق اظهارنظر و پاسخگویی، ثبات سیاسی و حاکمیت قانون رابطه معنی‌داری با رشد اقتصادی دارند و این رابطه به صورت غیر خطی می‌باشد، از طرف دیگر سه شاخص اثر بخشی حکومت، کیفیت قوانین و مقررات و کنترل فساد، تأثیر معنی‌داری بر رشد اقتصادی ندارند.

اوترویک (۲۰۱۱)، در مطالعه حکمرانی خوب و توسعه انسانی مورد مطالعه ی چین و هند با استفاده از روش مقایسه‌ای جفتی توسط آدم، تارو وتیلی به این نتیجه رسید که رابطه بین حکمرانی خوب و توسعه انسانی بسیار قوی است اما اثربخشی دولت بیشترین تاثیر را برای توسعه انسانی دارد.

بلکبرن و پاول (۲۰۱۱)، در مطالعه خود نشان می‌دهند که اختلاس درآمدهای مالیاتی به وسیله مقامات رسمی عمومی، باعث می‌شود که دولت برای تامین مخارج مالی خود بر حق الضرب تکیه کند. در نهایت آنها به این نتیجه می‌رسند که این عمل تورم را افزایش می‌دهد و سرمایه‌گذاری و رشد را از ارزش می‌اندازد.

رودرا و سانیل<sup>۱</sup> (۲۰۱۱) در مطالعه ای تحت عنوان «حکمرانی خوب و توسعه انسانی در ایالت‌های هندوستان» اثر حکمرانی خوب را بر توسعه انسانی در هندوستان طی دو دهه اخیر با استفاده از روش داده‌های تابلویی مورد بررسی قرار داده‌اند. در این مطالعه از شاخص ترکیبی حکمرانی خوب به عنوان متغیر توضیحی استفاده شده است. نتایج این مطالعه نشان می‌دهند که حکمرانی خوب و توسعه انسانی دوره‌های پیشین، توسعه انسانی فعلی را در هندوستان تعیین میکند. این بدان معناست که حکمرانی خوب می‌تواند به عنوان یک متغیر سیاستی برای بهبود توسعه انسانی و رشد اقتصادی در کشورها مطرح شود. همچنین در این مطالعه بیان می‌شود که ساز و کارهای نهادی بهتر نیز می‌تواند موجبات رشد و توسعه اقتصادی را فراهم آورد.

در ارتباط میان حکمرانی خوب و متغیرهای کلان اقتصادی نیز رضایی (۱۳۸۶)، در مطالعه خود اثر حکمرانی خوب بر جذب FDI در ایران را در مقایسه با چند کشور منتخب (چین، برزیل، مالزی). بررسی نمود. مطالعه وی نشان می‌دهد که ایران در مقایسه با کشورهای منتخب در زمینه جذب FDI موفق نبوده و نسبت به این کشورها دارای شاخص های حکمرانی خوب نمی باشد. در این مطالعه با توجه به اهمیت کیفیت حکمرانی در جذب FDI از طریق مقایسه ایران با کشورهای منتخب موفق در این تحقیق نتیجه گیری می‌شود که عدم موفقیت مذکور ریشه در میزان بالای مخاطره سیاسی در ایران دارد.

کمیجانی و سلاطین (۱۳۸۷)، در مطالعه ای با عنوان "بررسی تأثیر کیفیت حکمرانی بر رشد اقتصادی در ایران و کشورهای منتخب همسایه (ترکیه و پاکستان)" اثر کیفیت حکمرانی را بر رشد اقتصادی با استفاده از داده‌های تلفیقی در ایران و کشورهای منتخب همسایه در دوره‌ی (۱۹۹۶-۲۰۰۷) مورد بررسی قرار دادند. برای این منظور در این مطالعه ابتدا شاخص کیفیت حکمرانی معرفی گردیده است و سپس روند آن در ایران مورد بررسی قرار گرفته است. از آنجا که بانک جهانی برای کیفیت حکمرانی، شاخص عددی محاسبه نکرده است، در این مطالعه میانگین ساده‌ی حسابی شش شاخص حکمرانی خوب به عنوان شاخص کیفیت حکمرانی محاسبه شده است. نتایج این مطالعه نشان می‌دهند که در ایران کیفیت حکمرانی دارای وضعیت مطلوبی نمی‌باشد. نتایج حاصل از مدل نیز نشان می‌دهند شاخص کیفیت حکمرانی در هر سه کشور دارای تأثیر مثبت و معنادار بر نرخ رشد اقتصادی می‌باشد اما میزان تأثیر گذاری این شاخص در ترکیه بیشتر از ایران و پاکستان می‌باشد.

مبارک و آذریوند (۱۳۸۸) در مقاله خود به بررسی شاخص های حکمرانی خوب از منظر اسلامی پرداخته اند، آن ها در ادامه با استفاده از شاخص های شش گانه بانک جهانی به بررسی تأثیر حکمرانی خوب بر رشد اقتصادی در میان کشورهای اسلامی در سال های ۱۹۸۰-۲۰۰۵، پرداخته اند، در این مقاله علاوه بر نهادهای حکمرانی به بررسی تأثیر نهادهای دموکراتیک و تأثیر آن بر رشد اقتصادی نیز پرداخته شده است، بر اساس یافته های این تحقیق رابطه مثبت و معنی داری بین محیط نهادی و رشد اقتصادی وجود دارد، همچنین براساس نتایج این مطالعه، میزان اثرگذاری فاکتورهای نهادی و حکمرانی برای کشورهای ایران، مصر، ترکیه و اندونزی نسبت به کشورهای دیگر کمتر می باشد، البته نویسندگان این مقاله به این نتیجه میرسند که تأثیر دموکراسی بر رشد اقتصادی مبهم میباشد و در مجموع نهادهای حاکمیتی یا در شکل کلی تر حکمرانی خوب نسبت به نهادهای دموکراتیک اهمیت بیشتری برای رشد اقتصادی دارند.

رزمی، شهرکی و کلایی (۱۳۸۹)، در مطالعه ای به بررسی رابطه بین تجارت بین الملل و رشد اقتصادی با استفاده از شاخص حکمرانی خوب برای ۵۷ کشور در دوره ۲۰۰۰ تا ۲۰۰۹ با استفاده از ترکیبی از مدل پویای وینهلد (۱۹۹۳) و مدل چن

<sup>1</sup> Rudra P. Pradhan and Sanyal

و گوپتا (۲۰۰۶). پرداختند. نتایج نشان دهنده رابطه مثبت تجارت و رشد اقتصادی با توجه به کارایی نهاد های موجود در هر جامعه است.

پوررستمی (۱۳۹۰)، در مطالعه ای با استفاده از اطلاعات شاخص‌های بین‌المللی ریسک کشورها و شاخص حاکمیت قانون و نظم عمومی به عنوان کیفیت نهادی به بررسی اثر این شاخص‌ها بر روی شاخص‌های توسعه بخش بانکی در ۵۳ کشور برای دوره زمانی ۲۰۰۰-۲۰۰۸ پرداخته است. نتایج حاکی از تاثیر مثبت و معنادار این شاخص‌ها بر توسعه مالی در کشورهای مورد مطالعه است. همچنین معیار حکمرانی کنترلی و تنظیمی (بدست آمده از مطالعات قبلی و گرفته شده از ارزیابی‌های کمیته بازل) را بر روی توسعه بخش بانکی بررسی کرده است. نتایج برآوردها رابطه معنی داری میان این شاخص‌ها و شاخص‌های توسعه بخش بانکی را نشان نمی‌دهد.

سامتی، رنجبر و محسنی (۱۳۹۰)، در مطالعه تحلیل تاثیر شاخص‌های حکمرانی خوب بر شاخص توسعه با استفاده از روش داده‌های تابلویی به این نتیجه رسیدند که میانگین موزون شاخص‌های حکمرانی خوب اثر مثبت و معناداری بر شاخص توسعه انسانی دارد.

قاضی طباطبایی و همکاران (۱۳۹۱)، در مطالعه ارزیابی الگوی نظری حکمرانی خوب در تبیین توسعه انسانی با استفاده از روش معادلات ساختاری به این نتیجه رسید که رابطه معناداری بین حکمرانی خوب و توسعه انسانی وجود دارد. رزمی و صدیقی (۱۳۹۱)، در مطالعه الزامات تحقق حکمرانی خوب برای دستیابی به توسعه انسانی با استفاده از روش داده‌های تابلویی به این نتیجه رسیدند که دولت در ایران به دلیل ویژگی‌های ساختاری از دولت قوی مدرن توسعه خواه فاصله دارد و باعث عدم دستیابی به اهداف توسعه‌ای است.

سیحانی، اعتصامی و امین پور (۱۳۹۲) اثر اندازه دولت و حکمرانی خوب بر توسعه مالی کشورهای در حال توسعه و توسعه یافته برای دوره زمانی ۱۹۹۶-۲۰۱۱ را بررسی کرده اند. روابط موجود بین متغیرها با استفاده از تخمین زن های گشتاورهای تعمیم یافته GMM تخمین زده می شود. نتایج نشان می دهد که اندازه دولت اثر منفی و حکمرانی خوب اثر مثبت بر توسعه بخش مالی دارد.

حیدری، اصغری و علی نژاد در سال (۱۳۹۴) تأثیر اثربخشی دولت بر نرخ تورم در کشورهای منتخب منطقه خاورمیانه و شمال آفریقا (MENA) را طی دوره زمانی ۱۹۹۶-۲۰۱۲ با استفاده از رویکرد غیر خطی در قالب مدل های رگرسیونی انتقال ملایم تابلویی بررسی کردند. نتایج، آزمون خطی بودن رابطه ی بین متغیرهای مورد بررسی، فرضیه خطی بودن را رد کرده و نتایج ضرایب تخمین نشان می دهد که تأثیر اثر بخشی دولت، رشد تولید ناخالص داخلی و شاخص باز بودن اقتصاد بر نرخ تورم منفی بوده است.

## روش تحقیق

### ۱. معرفی روش داده های تابلویی

داده‌های تابلویی محیطی بسیار غنی از اطلاعات را برای گسترش تکنیک‌های برآورد و نتایج نظری در اختیار محققان قرار می‌دهند. داده‌های تابلویی روشی برای ترکیب داده‌های مقطعی و سری زمانی است. در داده‌های سری زمانی مقدار یک یا چند متغیر در طول یک دوره‌ی زمانی مشاهده می‌شود. در داده‌های مقطعی مقادیر یک یا چندین متغیر اقتصادی در یک زمان مشخص جمع‌آوری می‌شود. داده‌های تابلویی که برخی آن را داده‌های ترکیبی نیز می‌نامند، ترکیبی از داده‌های سری زمانی و مقطعی می‌باشند که مشاهده‌ی اطلاعات مربوط به داده‌های مقطعی را در طول زمان بررسی می‌کنند. ترکیب آماره‌های سری زمانی با آماره‌های مقطعی نه تنها می‌تواند اطلاعات سودمندی را برای تخمین الگوهای اقتصاد سنجی فراهم کند، بلکه بر مبنای نتایج بدست آمده می‌تواند استنباط‌های سیاست‌گذاری و برنامه‌ریزی قابل توجهی را نیز فراهم سازد (گجراتی<sup>۲</sup>، ۲۰۰۳).

<sup>2</sup> Damodar N. Gujarati



برتری الگوهای داده‌های تابلویی بر الگوهای با برش‌های مقطعی محض، این است که در این الگوها محقق میتواند انعطاف پذیری بیشتری در تبیین رفتاری فردی پدیده‌ها در طول زمان داشته باشد. یکی از مهمترین مزیت‌های شیوهی داده‌های تابلویی، کنترل نمودن خواص ناهمگن و در نظر گرفتن خانوارها، بنگاه‌ها، شرکت‌ها و کشورها است، در حالی که مطالعات مقطعی و سری زمانی این ناهمگنی را کنترل نکرده و با تخمین الگو بدون روش‌ها، بیم اریب در نتایج می‌رود (بالتاجی، ۲۰۰۱).

## ۲. آزمون ریشه واحد در برآورد داده‌های تابلویی

اغلب مدل‌های اقتصادسنجی که در دهه‌های اولیه رشد مورد استفاده قرار می‌گرفتند، بر فرض پایایی سری‌های زمانی استوار بودند. پس از آن که ناپایایی اکثر سری‌های زمانی آشکار شد، بکارگیری متغیرها به انجام آزمون‌های پایایی منوط گردید. اما پایایی متغیرها و آزمون‌های آنها در حالتی که داده‌های ترکیبی مقطعی - سری زمانی استفاده می‌شود با حالتی که داده‌ها به صورت سری‌های زمانی هستند تفاوت عمده‌ای دارند. آزمون‌های ریشه واحد در داده‌های ترکیبی به وسیله کواه<sup>۴</sup> (۱۹۹۴) پایه ریزی شد و این مطالعات توسط لوین، لین و چو<sup>۵</sup> (۲۰۰۲)، بریتونگ<sup>۶</sup> (۱۹۹۴) و ایم، پسران و شین<sup>۷</sup> (۱۹۹۷) کامل شده‌اند.

## ۳. روش تخمین

داده‌های تلفیقی<sup>۸</sup> ترکیب کردن مشاهدات روی داده‌های مقطعی در طول چندین دوره‌ی زمانی است. در این روش تمامی ضرایب ثابت بوده و فرض می‌شود که جمله‌ی اخلاص قادر است تفاوت‌های میان واحدهای مقطعی و زمان را توضیح دهد. در این حالت، الگو به روش حداقل مربعات معمولی<sup>۹</sup> (OLS) قابل برآورد است (بالتاجی، ۲۰۰۱). زیرا فقط داده‌ها روی هم انباشته شده‌اند و تفاوت میان آنها نادیده گرفته شده است. اما در صورتی که در بین مشاهدات، ناهمگنی یا تفاوت‌های فردی وجود داشته باشند، از روش داده‌های تابلویی استفاده می‌شود. ابتدا برای انتخاب بین مدل‌های تلفیقی و داده‌های تابلویی از آزمون F لیمر<sup>۱۰</sup> استفاده می‌شود.

## ۳-۱. آزمون F لیمر

آماره‌ی آزمون F لیمر با استفاده از مجموع مجذورات پسماندهای مقید<sup>۱۱</sup> (RRSS)، حاصل از تخمین مدل ترکیبی بدست آمده از OLS و مجموع مجذورات پسماند های غیر مقید<sup>۱۲</sup> (URSS)، حاصل از تخمین رگرسیون درون گروهی به صورت زیر است:

$$F = \frac{(RSS - URSS) / (N - 1)}{URSS / (NT - N - K)} \approx F_{N-1, NT-N-K}$$

که در آن:

RSS: مجموع مجذورات پسماندهای مقید

URSS: مجموع مجذورات پسماندهای غیر مقید

K: تعداد متغیرهای توضیحی

N: تعداد مقطع‌ها می‌باشد.

در آزمون F، فرضیه‌ی  $H_0$  یکسان بودن عرض از مبداها (داده‌های تلفیقی) در مقابل فرضیه‌ی مخالف، ناهمسانی عرض از مبداها (روش داده‌های تابلویی) قرار می‌گیرد لذا می‌توان نوشت:

<sup>3</sup> Baltagi

<sup>4</sup> Quah

<sup>5</sup> Levin, Lin and Chu (LLC)

<sup>6</sup> Breitung

<sup>7</sup> Im, Pesaran and Shin

<sup>8</sup> Pooling

<sup>9</sup> Ordinary Least Squares Method

<sup>10</sup> FLeamer Test

<sup>11</sup> Restrict Residual Sum Squares

<sup>12</sup> Un Restrict Residual Sum Squares

$$H_0 = \alpha_1 = \alpha_2 = \dots = \alpha$$

حداقل یکی از عرض از مبدأها با بقیه متفاوت است  $H_1 =$

اگر F محاسبه شده از F جدول با درجه آزادی (N-1) و (NT-N-K) بزرگتر باشد، فرضیه  $H_0$  رد شده، و استفاده از روش داده‌های تابلویی بهتر است، در غیر این صورت از روش داده‌های تلفیقی استفاده می‌شود.

### ۲-۳. آزمون هاسمن

روش رگرسیون مبتنی بر داده‌های تابلویی شامل تخمین‌های اثرات ثابت<sup>۱۳</sup> (FE) و تخمین‌های اثرات تصادفی<sup>۱۴</sup> (RE) است. در تخمین اثرات ثابت بعد زمان در نظر گرفته نمی‌شود و تنها اثراتی که مختص هر یک از مقطع‌هاست، به عنوان اثرات انفرادی منظور می‌گردند. در تخمین اثرات تصادفی عامل زمان منظور می‌شود و اثرات انفرادی واحدها در طول زمان به طور جداگانه به عنوان متغیرهای توضیحی وارد مدل می‌شوند. (ایگر<sup>۱۵</sup>، ۲۰۰۰). برای انتخاب بین مدل‌های اثرات ثابت و اثرات تصادفی از آزمون هاسمن<sup>۱۶</sup> استفاده می‌شود که آماره‌ی آن H، دارای توزیع  $\chi^2$  با درجه آزادی K (تعداد متغیرهای توضیحی) است و به صورت زیر تعریف می‌شود:

$$H = \hat{q} \text{var}(\hat{q})^{-1} \hat{q} \approx \chi^2(k)$$

که در آن:

$$\text{var}(\hat{q}) = \text{var}(\hat{\alpha}_{FE}) - \text{var}(\hat{\alpha}_{RE(GLS)}) \hat{q} = \hat{\alpha}_{FE} - \hat{\alpha}_{RE(GLS)}$$

به طوریکه  $\hat{\alpha}_{FE}$  معرف تخمین زنده‌های روش اثرات ثابت و  $\hat{\alpha}_{RE(GLS)}$  نشان دهنده‌ی تخمین زنده‌های روش اثرات تصادفی است و لذا در آزمون هاسمن فرضیه‌های  $H_0$  و  $H_1$  به صورت زیر تعریف می‌شوند:

$$H_0 : \alpha = \alpha_{\zeta} \quad (\text{روش اثرات تصادفی})$$

$$H_1 : \alpha \neq \alpha_{\zeta} \quad (\text{روش اثرات ثابت})$$

بنابراین در صورتی که فرضیه‌ی  $H_0$  رد نشود، روش اثرات تصادفی بر روش اثرات ثابت ترجیح داده می‌شود و به عنوان روش مناسبتر و کارتر انتخاب می‌شود در غیر این صورت، روش اثرات ثابت کارا خواهد بود (گرین<sup>۱۷</sup>، ۲۰۰۰).

### داده‌ها، اطلاعات آماری و تصریح الگو

#### داده‌ها و اطلاعات آماری

در این پژوهش برای برآورد الگو، از روش رگرسیون مبتنی بر داده‌های تابلویی استفاده می‌شود. حجم نمونه‌ی پژوهش ۶۰ کشور است که مربوط به دو گروه کشورهای توسعه یافته و در حال توسعه هستند. کلیه‌ی داده‌های استفاده شده مربوط به بازه‌ی زمانی (۲۰۱۴-۲۰۰۲) می‌باشند. قلمرومکانی این پژوهش کشورهای در حال توسعه و توسعه یافته می‌باشد. مباحث نظری و مطالعات تجربی تحقیق به روش کتابخانه‌ای گردآوری شده‌اند و جهت بررسی ادبیات موضوع از روش اسنادی استفاده شده است. در این بررسی به منظور یک دست بودن داده‌ها برای متغیرهای رشد تولید ناخالص داخلی (GDPG)، نقدینگی (MQM)، هزینه مصرف نهایی (FCE) و باز بودن اقتصاد (OPEN) از داده‌های بانک جهانی (WDI) و برای متغیرهای حکمرانی خوب از داده‌های (WGI) استفاده شده است.

برآورد مدل:

<sup>13</sup> Fixed Effects

<sup>14</sup> Random Effects

<sup>15</sup> Egger

<sup>16</sup> Hausman Test

<sup>17</sup> Greene

در این قسمت از طریق ارائه‌ی الگوی لگاریتمی زیر، به بررسی تأثیر حکمرانی خوب بر نرخ تورم برای کشورهای مورد مطالعه پرداخته می‌شود.

$$INF_{it} = \beta_1 + \beta_2 GDPG_{it} + \beta_3 MQM_{it} + \beta_4 FCE_{it} + \beta_5 OPEN_{it} + \beta_6 GG_{it} + \varepsilon_{it}$$

متغیرهای مدل به شرح زیر می باشد:

$\beta_1$ : عرض از مبدأ

$INF_{it}$ : نرخ تورم برای کشورهای در حال توسعه و توسعه یافته در دوره (۲۰۱۴-۲۰۰۲).

$GDPG_{it}$ : رشد تولید ناخالص داخلی برای کشورهای در حال توسعه و توسعه یافته در دوره (۲۰۱۴-۲۰۰۲).

$MQM_{it}$ : نقدینگی به عنوان درصدی از تولید ناخالص داخلی برای کشورهای در حال توسعه و توسعه یافته در دوره (۲۰۱۴-۲۰۰۲).

$FCE_{it}$ : هزینه مصرف نهایی به عنوان درصدی از تولید ناخالص داخلی برای کشورهای در حال توسعه و توسعه یافته در دوره (۲۰۱۴-۲۰۰۲).

$OPEN_{it}$ : شاخص باز بودن اقتصاد برای کشورهای در حال توسعه و توسعه یافته در دوره (۲۰۱۴-۲۰۰۲). که شامل صادرات و واردات برای این کشورها می باشد.

$GG_{it}$ : میانگین شاخص های حکمرانی خوب برای کشورهای در حال توسعه و توسعه یافته در دوره (۲۰۱۴-۲۰۰۲).  
 $\varepsilon_{it}$ : جزء اخلاص الگو.

در انتخاب متغیرهای کیفی الگو، از ۵ شاخص حکمرانی خوب استفاده شده است. که عبارت اند از:

(۱) کنترل فساد (COC)

$$INF_{it} = \beta_1 + \beta_2 GDPG_{it} + \beta_3 MQM_{it} + \beta_4 FCE_{it} + \beta_5 OPEN_{it} + \beta_6 COC_{it} + \varepsilon_{it}$$

(۲) اثر بخشی دولت (GE)

$$INF_{it} = \beta_1 + \beta_2 GDPG_{it} + \beta_3 MQM_{it} + \beta_4 FCE_{it} + \beta_5 OPEN_{it} + \beta_6 GE_{it} + \varepsilon_{it}$$

(۳) ثبات سیاسی (PSAOV)

$$INF_{it} = \beta_1 + \beta_2 GDPG_{it} + \beta_3 MQM_{it} + \beta_4 FCE_{it} + \beta_5 OPEN_{it} + \beta_6 PSAOV_{it} + \varepsilon_{it}$$

(۴) کیفیت قوانین و مقررات (RQ)

$$INF_{it} = \beta_1 + \beta_2 GDPG_{it} + \beta_3 MQM_{it} + \beta_4 FCE_{it} + \beta_5 OPEN_{it} + \beta_6 RQ_{it} + \varepsilon_{it}$$

(۵) میزان پاسخ گویی (VA)

$$INF_{it} = \beta_1 + \beta_2 GDPG_{it} + \beta_3 MQM_{it} + \beta_4 FCE_{it} + \beta_5 OPEN_{it} + \beta_6 VA_{it} + \varepsilon_{it}$$

(۶) حاکمیت قانون (RL)

$$INF_{it} = \beta_1 + \beta_2 GDPG_{it} + \beta_3 MQM_{it} + \beta_4 FCE_{it} + \beta_5 OPEN_{it} + \beta_6 RL_{it} + \varepsilon_{it}$$

تخمین الگوها

کشورهای در حال توسعه:

نتایج آزمون ریشه واحد:

پیش از بررسی تأثیر متغیرهای موجود بر تورم در کشورهای توسعه یافته، باید پایایی تمامی متغیرهای مورد نظر آزمون شوند. برای این منظور از آزمون‌های ریشه واحد فیشر و لوین لین چو استفاده شده است. چنانچه مقدار آماره‌ی احتمال محاسبه شده کوچکتر از مقدار مربوط به سطح اطمینان ۹۵ درصد باشد فرضیه  $H_0$  مبنی بر نامانایی رد خواهد شد. نتایج برای کلیه متغیرهای مدل در جدول (۱) به صورت زیر است:

## جدول (۱) بررسی پایایی متغیرها

متغیرها	آماره‌ی آزمون LLC	احتمال
INF	-12.6884	۰,۰۰۰۰
GDP	-9.60738	۰,۰۰۰۰
FCE	-5.98279	۰,۰۰۰۳
D(MQM)	-15.9888	۰,۰۰۶۶
D(OPEN)	-12.9969	۰,۰۱۰
COC	-7.54303	۰,۰۰۰۰
GE	-2.62111	۰,۰۰۴۴
PSAOV	-2.60129	۰,۰۰۴۶
RQ	-4.64285	۰,۰۰۰۰
VA	-5.05820	۰,۰۰۰۰
RL	-2.25810	0.0120
GG	-۳,۷۸۶۷۱	۰,۰۰۰۱

نتایج نشان می‌دهند که فرضیه‌ی  $H_0$  در مورد تمامی متغیرهای الگو رد شده که مبنی بر مانا بودن آن‌ها است، بنابراین رگرسیون کاذب موضوعیت نمی‌یابد.

## نتایج تخمین الگوها بر اساس آماره‌ی لیمر F:

برای انتخاب بین روش داده‌های تابلویی و داده‌های تلفیقی از آماره‌ی F لیمر استفاده می‌شود. در آزمون F، فرضیه‌ی  $H_0$  دال بر داده‌های تلفیقی (یکسان بودن عرض از مبداها) و در مقابل فرضیه‌ی مخالف دال بر داده‌های تابلویی (ناهمسانی عرض از مبداها) می‌باشد.

## جدول (۲) بررسی قابلیت تخمین الگوها بر اساس آماره F لیمر

الگوها	آماره‌ی آزمون F	آماره‌ی P
COC	5.725048	0.0000
GE	5.720088	0.0000
PSAOV	5.477837	0.0000
RQ	5.225555	0.0000
VA	5.245552	0.0000
RL	5.653739	0.0000
GG	5.600817	0.0000

با توجه به مقدار F محاسبه شده در جدول (۲) و بزرگتر بودن آن از F جدول، فرضیه‌ی  $H_0$  این آزمون دال بر داده‌های تلفیقی (یکسان بودن عرض از مبداها) رد می‌شود و بنابراین جهت برآورد از روش داده‌های تابلویی استفاده می‌کنیم.

## نتایج تخمین الگوها بر اساس آزمون هاسمن:

اگر بعد از انجام دادن آزمون F، فرضیه‌ی  $H_0$  رد شده باشد، این پرسش مطرح می‌شود که مدل در قالب کدامیک از روش‌های اثرات ثابت و اثرات تصادفی، قابل بررسی است. آزمون هاسمن برای تعیین روش تخمین در روش داده‌های تابلویی به کار می‌رود (جاج و همکاران، ۱۹۸۳). فرضیه‌ی  $H_0$  این آزمون دال بر وجود اثرات تصادفی است و فرضیه‌ی  $H_1$  وجود اثرات ثابت را تأیید می‌کند. در صورتی که آماره‌ی احتمال آزمون هاسمن از ده صدم کوچکتر باشد الگو دارای اثرات ثابت می‌باشد. نتایج در جدول (۳) به صورت زیر است:

جدول (۳) نتایج تخمین الگوها بر اساس آزمون هاسمن:

آماره P	آماره آزمون H	الگوها
0.0087	15.417359	COC
0.0024	18.486150	GE
0.0260	12.736667	PSAOV
0.0076	15.750642	RQ
0.0012	20.125385	VA
0.0044	17.028736	RL
0.0084	15.516617	GG

با توجه به نتایج تخمین در جدول ۳ فرضیه  $H_0$  دال بر تأیید وجود اثرات تصادفی در هفت الگو رد می‌شود. بنابراین مدل‌های مذکور در قالب اثرات ثابت برآورد می‌شوند.

نتایج تخمین مدل‌ها:

شرح	الگوی اول	الگوی دوم	الگوی سوم	الگوی چهارم	الگوی پنجم	الگوی ششم	الگوی هفتم
COC	-2.713108***	-	-	-	-	-	-
GE	-	-3.601659***	-	-	-	-	-
PSAOV	-	-	-1.777827***	-	-	-	-
RQ	-	-	-	3.155858***	-	-	-
VA	-	-	-	-	-0.892248*	-	-
RL	-	-	-	-	-	-2,3۰۵۷۱۰***	-
GG	-	-	-	-	-	-	-۳,۰۴۲۳۹۴***
INF	-	-	-	-	-	-	-
GDP	0.161720***	0.128403**	0.165678***	0.132346**	0.176512***	۰,۱۶۳۲۶۰***	۰,۱۴۵۷۲۳**
FCE	0.023773	0.003390	0.030629**	0.018354	0.052272	۰,۰۲۲۰۶۶	۰,۰۲۲۶۹۳
MQM	-0.009920	-0.002373	-0.002856**	-0.006435	-0.010427	-۰,۰۰۷۰۸۷	-۰,۰۰۹۰۸۱
OPEN	-0.012777	-0.008912	0.002894**	-0.011994	-0.025486	-۰,۰۱۳۴۶۹	-۰,۰۱۰۱۹۶
C	4.865011	6.343423	-0.375677	5.806693	4.136502	۵,۱۱۵۹۶۷***	۴,۷۳۲۱۶۸***
R <sup>2</sup>	0.121467	0.146413	0.065738	0.143259	0.082249	۰,۱۰۹۶۳۴	۰,۱۳۲۳۸۴
آماره F	9.733581	12.07548	5.080286	11.77188	6.309226	۸,۶۶۸۶۰۵	۱۰,۷۴۱۹۱
PROB F	0.000000	0.000000	0.000163	0.000000	0.000013	۰,۰۰۰۰۰۰	0.000000

\*\*\* معناداری در سطح خطای ۱ درصد

\*\* معناداری در سطح خطای ۵ درصد

\* معناداری در سطح خطای ۱۰ درصد

در الگوی اول پژوهش تاثیر شاخص کنترل فساد بر نرخ تورم مورد ارزیابی قرار می‌گیرد. با توجه به نتایج حاصل از تخمین الگوی COC ضرایب متغیرهای GDP و COC در سطح خطای ۱٪ معنادار می‌باشند. نتایج حاکی از آن است که تولید ناخالص داخلی و هزینه مصرفی نهایی تاثیر مثبت بر نرخ تورم و کنترل فساد و نقدینگی و شاخص باز بودن اقتصاد تاثیر منفی بر نرخ تورم کشور های مورد مطالعه دارند.

همانطور که در جدول مشاهده می‌شود یک درصد افزایش در کنترل فساد منجر به (2.713108) درصد کاهش در نرخ تورم، یک درصد افزایش در تولید ناخالص داخلی منجر به (0.161720) درصد افزایش در نرخ تورم، یک درصد افزایش در هزینه مصرفی نهایی منجر به (0.023773) درصد افزایش در نرخ تورم، یک درصد افزایش در نقدینگی منجر به (0.009920)

درصد کاهش در نرخ تورم، یک درصد افزایش در شاخص بازبودن اقتصاد منجر به (0.012777) درصد افزایش در نرخ تورم می‌شود.

در الگوی دوم پژوهش تاثیر شاخص اثربخشی دولت بر نرخ تورم مورد ارزیابی قرار می‌گیرد. با توجه به نتایج حاصل از تخمین الگوی GE ضرایب متغیرهای GE در سطح خطای ۱٪ و GDP در سطح خطای ۵٪ معنادار می‌باشند. نتایج حاکی از آن است که تولید ناخالص داخلی و هزینه مصرفی نهایی تاثیر مثبت بر نرخ تورم و شاخص اثربخشی دولت و نقدینگی و شاخص بازبودن اقتصاد تاثیر منفی بر نرخ تورم کشور های مورد مطالعه دارند.

همانطور که در جدول مشاهده می‌شود یک درصد افزایش در شاخص اثربخشی دولت منجر به (3.601659) درصد کاهش در نرخ تورم، یک درصد افزایش در تولید ناخالص داخلی منجر به (0.128403) درصد افزایش در نرخ تورم، یک درصد افزایش در هزینه مصرفی نهایی منجر به (0.003390) درصد افزایش در نرخ تورم، یک درصد افزایش در نقدینگی منجر به (0.002856) درصد کاهش در نرخ تورم، یک درصد افزایش در شاخص بازبودن اقتصاد منجر به (0.008912) درصد کاهش در نرخ تورم می‌شود.

در الگوی سوم پژوهش تاثیر شاخص ثبات سیاسی و فقدان خشونت بر نرخ تورم مورد ارزیابی قرار می‌گیرد. با توجه به نتایج حاصل از تخمین الگوی PSAOV ضرایب متغیرهای GDP و PSAOV در سطح خطای ۱٪ و MQM و OPEN و FCE در سطح خطای ۵٪ معنادار می‌باشند. نتایج حاکی از آن است که تولید ناخالص داخلی و هزینه مصرفی نهایی و شاخص بازبودن اقتصاد تاثیر مثبت بر نرخ تورم و نقدینگی و شاخص ثبات سیاسی و فقدان خشونت تاثیر منفی بر نرخ تورم کشور های مورد مطالعه دارند.

همانطور که در جدول مشاهده می‌شود یک درصد افزایش در شاخص ثبات سیاسی و فقدان خشونت منجر به (1.777827) درصد کاهش در نرخ تورم، یک درصد افزایش در تولید ناخالص داخلی منجر به (0.165678) درصد افزایش در نرخ تورم، یک درصد افزایش در هزینه مصرفی نهایی منجر به (0.030629) درصد افزایش در نرخ تورم، یک درصد افزایش در نقدینگی منجر به (0.002856) درصد کاهش در نرخ تورم، یک درصد افزایش در شاخص بازبودن اقتصاد منجر به (0.002894) درصد افزایش در نرخ تورم می‌شود.

در الگوی چهارم پژوهش تاثیر شاخص کیفیت تنظیم مقررات بر نرخ تورم مورد ارزیابی قرار می‌گیرد. با توجه به نتایج حاصل از تخمین الگوی RQ ضرایب متغیرهای GDP در سطح خطای ۵٪ و RQ در سطح خطای ۱٪ معنادار می‌باشند. نتایج حاکی از آن است که تولید ناخالص داخلی و هزینه مصرفی نهایی و شاخص کیفیت تنظیم مقررات تاثیر مثبت بر نرخ تورم و شاخص نقدینگی و شاخص بازبودن اقتصاد تاثیر منفی بر نرخ تورم کشور های مورد مطالعه دارند.

همانطور که در جدول مشاهده می‌شود یک درصد افزایش در شاخص کیفیت تنظیم مقررات منجر به (3.155858) درصد کاهش در نرخ تورم، یک درصد افزایش در تولید ناخالص داخلی منجر به (0.132346) درصد افزایش در نرخ تورم، یک درصد افزایش در هزینه مصرفی نهایی منجر به (0.018354) درصد افزایش در نرخ تورم، یک درصد افزایش در نقدینگی منجر به (0.006435) درصد کاهش در نرخ تورم، یک درصد افزایش در شاخص بازبودن اقتصاد منجر به (0.011994) درصد کاهش در نرخ تورم می‌شود.

در الگوی پنجم پژوهش تاثیر میزان پاسخگویی بر نرخ تورم مورد ارزیابی قرار می‌گیرد. با توجه به نتایج حاصل از تخمین الگوی VA ضرایب متغیرهای VA در سطح خطای ۱۰٪ و GDP در سطح خطای ۱٪ معنادار می‌باشند. نتایج حاکی از آن است که تولید ناخالص داخلی و هزینه مصرفی نهایی و تاثیر مثبت بر نرخ تورم و شاخص نقدینگی و شاخص بازبودن اقتصاد و شاخص میزان پاسخگویی تاثیر منفی بر نرخ تورم کشور های مورد مطالعه دارند.

همانطور که در جدول مشاهده می‌شود یک درصد افزایش در شاخص میزان پاسخگویی منجر به (0.892248) درصد کاهش در نرخ تورم، یک درصد افزایش در تولید ناخالص داخلی منجر به (0.176512) درصد افزایش در نرخ تورم، یک درصد افزایش در هزینه مصرفی نهایی منجر به (0.052272) درصد افزایش در نرخ تورم، یک درصد افزایش در نقدینگی منجر به

(0.010427) درصد کاهش در نرخ تورم، یک درصد افزایش در شاخص بازبودن اقتصاد منجر به (0.025486) درصد کاهش در نرخ تورم می‌شود.

در الگوی ششم پژوهش تاثیر حاکمیت قانون بر نرخ تورم مورد ارزیابی قرار می‌گیرد. با توجه به نتایج حاصل از تخمین الگوی RL ضرایب متغیرهای RL و GDP در سطح ۱٪ معنادار می‌باشد. نتایج حاکی از آن است که تولید ناخالص داخلی و هزینه مصرفی نهایی و تاثیر مثبت بر نرخ تورم و شاخص نقدینگی و شاخص بازبودن اقتصاد و شاخص حاکمیت قانون تاثیر منفی بر نرخ تورم کشور های مورد مطالعه دارند.

همانطور که در جدول مشاهده می‌شود یک درصد افزایش در شاخص حاکمیت قانون منجر به (۲,۳۰۵۷۱۰) درصد کاهش در نرخ تورم، یک درصد افزایش در تولید ناخالص داخلی منجر به (۰,۱۶۳۲۶۰) درصد افزایش در نرخ تورم، یک درصد افزایش در هزینه مصرفی نهایی منجر به (۰,۰۲۲۰۶۶) درصد افزایش در نرخ تورم، یک درصد افزایش در نقدینگی منجر به (۰,۰۰۷۰۸۷) درصد کاهش در نرخ تورم، یک درصد افزایش در شاخص بازبودن اقتصاد منجر به (۰,۰۱۳۴۶۹) درصد کاهش در نرخ تورم می‌شود.

در الگوی هفتم پژوهش تاثیر میانگین‌های شاخص حکمرانی خوب بر نرخ تورم مورد ارزیابی قرار می‌گیرد. با توجه به نتایج حاصل از تخمین الگوی GG ضرایب متغیرهای GG در سطح خطای ۱٪ و GDP در سطح خطای ۵٪ معنادار می‌باشند. نتایج حاکی از آن است که تولید ناخالص داخلی و هزینه مصرفی نهایی تاثیر مثبت بر نرخ تورم و شاخص نقدینگی و شاخص بازبودن اقتصاد و میانگین‌های شاخص‌های حکمرانی خوب تاثیر منفی بر نرخ تورم کشور های مورد مطالعه دارند.

همانطور که در جدول مشاهده می‌شود یک درصد افزایش در میانگین‌های شاخص حکمرانی خوب منجر به (۳,۰۴۲۳۹۴) درصد کاهش در نرخ تورم، یک درصد افزایش در تولید ناخالص داخلی منجر به (۰,۱۴۵۷۲۳) درصد افزایش در نرخ تورم، یک درصد افزایش در هزینه مصرفی نهایی منجر به (۰,۰۲۲۶۹۳) درصد افزایش در نرخ تورم، یک درصد افزایش در نقدینگی منجر به (۰,۰۰۹۰۸۱) درصد کاهش در نرخ تورم، یک درصد افزایش در شاخص بازبودن اقتصاد منجر به (۰,۰۱۰۱۹۶) درصد کاهش در نرخ تورم می‌شود.

توسعه یافته:

نتایج آزمون ریشه واحد:

پیش از بررسی تاثیر متغیرهای موجود بر تورم در کشورهای توسعه یافته، باید پایایی تمامی متغیرهای مورد نظر آزمون شوند. برای این منظور از آزمون‌های ریشه واحد فیشر و لوین لین چو استفاده شده است. چنانچه مقدار آماره‌ی احتمال محاسبه شده کوچکتر از مقدار مربوط به سطح اطمینان ۹۵ درصد باشد فرضیه  $H_0$  مبنی بر نامانایی رد خواهد شد. نتایج برای کلیه متغیرهای مدل در جدول (۱) به صورت زیر است:

جدول (۱) بررسی پایایی متغیرها

متغیرها	آماره‌ی آزمون LLC	احتمال
INF	-10.5697	0.0000
GDP	-10.7657	0.0000
FCE	-3.42074	0.0003
MQM	-2.47908	0.0066
OPEN	-3.09355	0.0010
COC	-4.36193	0.0000
GE	-4.86078	0.0000
PSAOV	-7.19806	0.0000
RQ	-4.59020	0.0000
VA	-4.79193	0.0000
RL	-1.60234	0.0545
GG	-5.6603	0.0000

نتایج نشان می‌دهند که فرضیه  $H_0$  در مورد تمامی متغیرهای الگو رد شده که مبنی بر مانا بودن آن‌ها است، بنابراین رگرسیون کاذب موضوعیت نمی‌یابد.

### نتایج تخمین الگوها بر اساس آماره‌ی لیمر F:

برای انتخاب بین روش داده‌های تابلویی و داده‌های تلفیقی از آماره‌ی F لیمر استفاده می‌شود. در آزمون F، فرضیه  $H_0$  دال بر داده‌های تلفیقی (یکسان بودن عرض از مبداها) و در مقابل فرضیه‌ی مخالف دال بر داده‌های تابلویی (ناهمسانی عرض از مبداها) می‌باشد.

جدول (۲) بررسی قابلیت تخمین الگوها بر اساس آماره F لیمر

الگوها	آماره‌ی آزمون F	آماره‌ی P
COC	4.991304	0.0000
GE	5.217647	0.0000
PSAOV	5.103122	0.0000
RQ	5.275867	0.0000
VA	5.009644	0.0000
RL	5.014376	0.0000
GG	5.351533	0.0000

با توجه به مقدار F محاسبه شده در جدول (۲) و بزرگتر بودن آن از F جدول، فرضیه  $H_0$  این آزمون دال بر داده‌های تلفیقی (یکسان بودن عرض از مبداها) رد می‌شود و بنابراین جهت برآورد از روش داده‌های تابلویی استفاده می‌کنیم.

### نتایج تخمین الگوها بر اساس آزمون هاسمن:

اگر بعد از انجام دادن آزمون F، فرضیه  $H_0$  رد شده باشد، این پرسش مطرح می‌شود که مدل در قالب کدامیک از روش‌های اثرات ثابت و اثرات تصادفی، قابل بررسی است. آزمون هاسمن برای تعیین روش تخمین در روش داده‌های تابلویی به کار می‌رود (جاج و همکاران، ۱۹۸۳). فرضیه  $H_0$  این آزمون دال بر وجود اثرات تصادفی است و فرضیه  $H_1$  وجود اثرات ثابت را تأیید می‌کند. در صورتی که آماره‌ی احتمال آزمون هاسمن از ده صدم کوچکتر باشد الگو دارای اثرات ثابت می‌باشد. نتایج در جدول (۳) به صورت زیر است:

جدول (۳) نتایج تخمین الگوها بر اساس آزمون هاسمن

الگوها	آماره آزمون H	آماره P
COC	27.606100	0.0000
GE	34.821615	0.0000
PSAOV	28.557236	0.0000
RQ	36.361806	0.0000
VA	29.103297	0.0000
RL	27.781748	0.0000
GG	35.061528	0.0000

با توجه به نتایج تخمین در جدول ۳ فرضیه  $H_0$  دال بر تأیید وجود اثرات تصادفی در هفت الگو رد می‌شود. بنابراین مدل‌های مذکور در قالب اثرات ثابت برآورد می‌شوند.



## نتایج تخمین مدل‌ها:

شرح	الگوی اول	الگوی دوم	الگوی سوم	الگوی چهارم	الگوی پنجم	الگوی ششم	الگوی هفتم
COC	-0.149517	-	-	-	-	-	-
GE	-	-0.309516	-	-	-	-	-
PSAOV	-	-	0.057806	-	-	-	-
RQ	-	-	-	-0.403845	-	-	-
VA	-	-	-	-	0.376405	-	-
RL	-	-	-	-	-	-0.204518	-
GG	-	-	-	-	-	-	-0.200014
INF	-	-	-	-	-	-	-
GDP	0.129980***	0.131266***	0.130229***	0.132530***	0.134296***	0.128818***	0.129826***
FCE	0.024657*	0.022430	0.030629**	0.024795*	0.034484**	0.024473*	0.025172*
MQM	-0.002793**	-0.002878**	-0.002856**	-0.002761**	-0.003295***	-0.002745**	-0.002809**
OPEN	0.002718*	0.002749*	0.002894**	0.003075**	0.004131***	0.002602*	0.002681*
C	0.343970	0.757656	-0.375677	0.627112	-1.169615	0.437383	0.353371
R <sup>2</sup>	0.068996	0.071580	0.065738	0.071857	0.070581	0.068136	0.067405
آماره F	5.350650	5.566546	5.080286	5.589773	5.482979	5.279141	5.218409
PROB F	0.000096	0.000059	0.000163	0.000056	0.000070	0.000108	0.00122

\*\*\* معناداری در سطح خطای ۱ درصد

\*\* معناداری در سطح خطای ۵ درصد

\* معناداری در سطح خطای ۱۰ درصد

در الگوی اول پژوهش تاثیر شاخص کنترل فساد بر نرخ تورم مورد ارزیابی قرار می‌گیرد. با توجه به نتایج حاصل از تخمین الگوی COC ضرایب متغیرهای FCE و OPEN در سطح خطای ۱۰٪، MQM در سطح خطای ۵٪ و GDP در سطح خطای ۱٪ معنادار می‌باشند. نتایج حاکی از آن است که تولید ناخالص داخلی و هزینه مصرفی نهایی و شاخص بازبودن اقتصاد تاثیر مثبت بر نرخ تورم و کنترل فساد و نقدینگی تاثیر منفی بر نرخ تورم کشورهای مورد مطالعه دارند. همانطور که در جدول مشاهده می‌شود یک درصد افزایش در کنترل فساد منجر به (0.149517) درصد کاهش در نرخ تورم، یک درصد افزایش در تولید ناخالص داخلی منجر به (0.130229) درصد افزایش در نرخ تورم، یک درصد افزایش در هزینه مصرفی نهایی منجر به (0.024657) درصد افزایش در نرخ تورم، یک درصد افزایش در نقدینگی منجر به (0.002793) درصد کاهش در نرخ تورم، یک درصد افزایش در شاخص بازبودن اقتصاد منجر به (0.002718) درصد افزایش در نرخ تورم می‌شود.

در الگوی دوم پژوهش تاثیر شاخص اثربخشی دولت بر نرخ تورم مورد ارزیابی قرار می‌گیرد. با توجه به نتایج حاصل از تخمین الگوی GE ضرایب متغیرهای OPEN در سطح خطای ۱۰٪ و MQM در سطح خطای ۵٪ و GDP در سطح خطای ۱٪ معنادار می‌باشند. نتایج حاکی از آن است که تولید ناخالص داخلی و هزینه مصرفی نهایی و شاخص بازبودن اقتصاد و تاثیر مثبت بر نرخ تورم و شاخص اثربخشی دولت و نقدینگی تاثیر منفی بر نرخ تورم کشورهای مورد مطالعه دارند. همانطور که در جدول مشاهده می‌شود یک درصد افزایش در شاخص اثربخشی دولت منجر به (0.309516) درصد کاهش در نرخ تورم، یک درصد افزایش در تولید ناخالص داخلی منجر به (0.129980) درصد افزایش در نرخ تورم، یک درصد افزایش در هزینه مصرفی نهایی منجر به (0.022430) درصد افزایش در نرخ تورم، یک درصد افزایش در نقدینگی منجر به (0.002878) درصد کاهش در نرخ تورم، یک درصد افزایش در شاخص بازبودن اقتصاد منجر به (0.002749) درصد افزایش در نرخ تورم می‌شود.

در الگوی سوم پژوهش تاثیر شاخص ثبات سیاسی و فقدان خشونت بر نرخ تورم مورد ارزیابی قرار می‌گیرد. با توجه به نتایج حاصل از تخمین الگوی PSAOV ضرایب متغیرهای GDP در سطح خطای ۱٪ و MQM و OPEN و FCE در سطح خطای ۵٪ معنادار می‌باشند. نتایج حاکی از آن است که تولید ناخالص داخلی و هزینه مصرفی نهایی و شاخص بازبودن اقتصاد و شاخص ثبات سیاسی و فقدان خشونت تاثیر مثبت بر نرخ تورم و نقدینگی تاثیر منفی بر نرخ تورم کشور های مورد مطالعه دارند. همانطور که در جدول مشاهده می‌شود یک درصد افزایش در شاخص ثبات سیاسی و فقدان خشونت منجر به (0.057806) درصد افزایش در نرخ تورم، یک درصد افزایش در تولید ناخالص داخلی منجر به (0.130229) درصد افزایش در نرخ تورم، یک درصد افزایش در هزینه مصرفی نهایی منجر به (0.030629) درصد افزایش در نرخ تورم، یک درصد افزایش در نقدینگی منجر به (0.002856) درصد کاهش در نرخ تورم، یک درصد افزایش در شاخص بازبودن اقتصاد منجر به (0.002894) درصد افزایش در نرخ تورم می‌شود.

در الگوی چهارم پژوهش تاثیر شاخص کیفیت تنظیم مقررات بر نرخ تورم مورد ارزیابی قرار می‌گیرد. با توجه به نتایج حاصل از تخمین الگوی RQ ضرایب متغیرهای FCE در سطح خطای ۱۰٪ و GDP در سطح خطای ۵٪ و MQM و OPEN در سطح خطای ۱٪ معنادار می‌باشند. نتایج حاکی از آن است که تولید ناخالص داخلی و هزینه مصرفی نهایی و شاخص بازبودن اقتصاد تاثیر مثبت بر نرخ تورم و شاخص کیفیت تنظیم مقررات و شاخص نقدینگی تاثیر منفی بر نرخ تورم کشور های مورد مطالعه دارند.

همانطور که در جدول مشاهده می‌شود یک درصد افزایش در شاخص کیفیت تنظیم مقررات منجر به (0.403845) درصد کاهش در نرخ تورم، یک درصد افزایش در تولید ناخالص داخلی منجر به (0.132530) درصد افزایش در نرخ تورم، یک درصد افزایش در هزینه مصرفی نهایی منجر به (0.024795) درصد افزایش در نرخ تورم، یک درصد افزایش در نقدینگی منجر به (0.002761) درصد کاهش در نرخ تورم، یک درصد افزایش در شاخص بازبودن اقتصاد منجر به (0.003075) درصد افزایش در نرخ تورم می‌شود.

در الگوی پنجم پژوهش تاثیر میزان پاسخگویی بر نرخ تورم مورد ارزیابی قرار می‌گیرد. با توجه به نتایج حاصل از تخمین الگوی VA ضرایب متغیرهای GDP و MQM و OPEN در سطح خطای ۱٪ و FCE در سطح خطای ۵٪ معنادار می‌باشند. نتایج حاکی از آن است که تولید ناخالص داخلی و هزینه مصرفی نهایی و شاخص بازبودن اقتصاد و شاخص میزان پاسخگویی تاثیر مثبت بر نرخ تورم و شاخص نقدینگی تاثیر منفی بر نرخ تورم کشور های مورد مطالعه دارند. همانطور که در جدول مشاهده می‌شود یک درصد افزایش در شاخص میزان پاسخگویی منجر به (0.376405) درصد افزایش در نرخ تورم، یک درصد افزایش در تولید ناخالص داخلی منجر به (0.134296) درصد افزایش در نرخ تورم، یک درصد افزایش در هزینه مصرفی نهایی منجر به (0.034484) درصد افزایش در نرخ تورم، یک درصد افزایش در نقدینگی منجر به (0.003295) درصد کاهش در نرخ تورم، یک درصد افزایش در شاخص بازبودن اقتصاد منجر به (0.004131) درصد افزایش در نرخ تورم می‌شود.

در الگوی ششم پژوهش تاثیر حاکمیت قانون بر نرخ تورم مورد ارزیابی قرار می‌گیرد. با توجه به نتایج حاصل از تخمین الگوی RL ضرایب متغیر GDP در سطح خطای ۱٪ و FCE و MQM در سطح خطای ۱۰٪ و OPEN در سطح خطای ۵٪ معنادار می‌باشند. نتایج حاکی از آن است که تولید ناخالص داخلی و هزینه مصرفی نهایی و شاخص بازبودن اقتصاد تاثیر مثبت بر نرخ تورم و شاخص نقدینگی و شاخص حاکمیت قانون تاثیر منفی بر نرخ تورم کشور های مورد مطالعه دارند. همانطور که در جدول مشاهده می‌شود یک درصد افزایش در شاخص حاکمیت قانون منجر به (۰,۲۰۴۵۱۸) درصد کاهش در نرخ تورم، یک درصد افزایش در تولید ناخالص داخلی منجر به (۰,۱۲۸۸۱۸) درصد افزایش در نرخ تورم، یک درصد افزایش در هزینه مصرفی نهایی منجر به (۰,۰۲۴۴۷۳) درصد افزایش در نرخ تورم، یک درصد افزایش در نقدینگی منجر به (۰,۰۰۲۷۴۵) درصد کاهش در نرخ تورم، یک درصد افزایش در شاخص بازبودن اقتصاد منجر به (۰,۰۰۲۶۰۲) درصد افزایش در نرخ تورم می‌شود.

در الگوی هفتم پژوهش تاثیرمیانگین‌های شاخص حکمرانی خوب بر نرخ تورم مورد ارزیابی قرار می‌گیرد. با توجه به نتایج حاصل از تخمین الگوی GG ضرایب متغیرهای OPEN و FCE در سطح خطای ۱۰٪ و MQM در سطح خطای ۵٪ و GDP در سطح خطای ۱٪ معنادار می‌باشند. نتایج حاکی از آن است که تولید ناخالص داخلی و هزینه مصرفی نهایی و شاخص بازبودن اقتصاد تاثیر مثبت بر نرخ تورم و شاخص نقدینگی و میانگین‌های شاخص‌های حکمرانی خوب تاثیر منفی بر نرخ تورم کشور‌های مورد مطالعه دارند.

همانطور که در جدول مشاهده می‌شود یک درصد افزایش در میانگین‌های شاخص حکمرانی خوب منجر به ۰٫۲۰۰۱۴ درصد کاهش در نرخ تورم، یک درصد افزایش در تولید ناخالص داخلی منجر به ۰٫۱۲۹۸۲۶ درصد افزایش در نرخ تورم، یک درصد افزایش در هزینه مصرفی نهایی منجر به ۰٫۰۲۵۱۷۲ درصد افزایش در نرخ تورم، یک درصد افزایش در نقدینگی منجر به ۰٫۰۲۸۰۹ درصد کاهش در نرخ تورم، یک درصد افزایش در شاخص بازبودن اقتصاد منجر به ۰٫۰۲۶۸۱ درصد افزایش در نرخ تورم می‌شود.

### جمع‌بندی و نتیجه‌گیری

در این مطالعه با استفاده از داده‌های سال‌های (۲۰۰۲-۲۰۱۴) با بهره‌گیری از تکنیک‌های اقتصادسنجی داده‌های تابلویی آثار شاخص‌های حکمرانی خوب بر تورم در کشورهای توسعه یافته و در حال توسعه‌ی منتخب مورد بررسی قرار گرفته است. برای این منظور، ابتدا مدل تحقیق با در نظر گرفتن آثار شاخص‌های حکمرانی خوب بر تورم در کشورهای توسعه یافته و در حال توسعه شامل شاخص اثربخشی دولت و شاخص ثبات سیاسی و فقدان خشونت و شاخص کیفیت تنظیم مقررات و شاخص میزان پاسخگویی و شاخص کنترل فساد و حاکمیت قانون و میانگین‌های شاخص حکمرانی خوب و تولید ناخالص داخلی و هزینه مصرفی نهایی و شاخص بازبودن اقتصاد و شاخص نقدینگی مورد بررسی و تخمین قرار گرفت که نتایج آزمون‌های F و هاسمن هر دو دلالت بر انتخاب روش تخمین اثرات ثابت بود.

نتایج پژوهشگر بیانگر این بود که شاخص اثربخشی دولت با تورم ارتباط منفی و معناداری دارد که این نتیجه بیانگر این موضوع است که مکانیزم اثربخشی دولت در کشورهای توسعه یافته و در حال توسعه‌ی معکوسی بر نرخ تورم دارد. همچنین یافته‌های دیگر پژوهش نشان می‌دهد که شاخص ثبات سیاسی و فقدان خشونت با تورم ارتباط منفی و معناداری در کشورهای در حال توسعه و ارتباط مثبت و معناداری در کشورهای توسعه یافته دارد که این نتیجه بیانگر این موضوع است که مکانیزم ثبات سیاسی و فقدان خشونت در کشورهای در حال توسعه تاثیر معکوسی بر نرخ تورم و در کشورهای توسعه یافته تاثیر مستقیمی بر نرخ تورم دارد. و شاخص کیفیت تنظیم مقررات با تورم ارتباط منفی و معناداری در کشورهای توسعه یافته و ارتباط مثبت و معناداری در کشورهای توسعه یافته دارد که این نتیجه بیانگر این موضوع است که مکانیزم کیفیت تنظیم مقررات در کشورهای توسعه یافته تاثیر معکوسی بر نرخ تورم و در کشورهای در حال توسعه تاثیر معکوسی بر نرخ تورم دارد که این نتیجه بیانگر این موضوع است که مکانیزم میزان پاسخگویی در کشورهای در حال توسعه و ارتباط مثبت و معناداری در کشورهای توسعه یافته دارد که این نتیجه بیانگر این موضوع است که مکانیزم میزان پاسخگویی در کشورهای در حال توسعه و ارتباط مثبت و معناداری در کشورهای توسعه یافته دارد که این نتیجه بیانگر این موضوع است که مکانیزم کنترل فساد با تورم دارد. و شاخص کنترل فساد با تورم ارتباط منفی و معناداری دارد که این نتیجه بیانگر این موضوع است که مکانیزم کنترل فساد در کشورهای در حال توسعه و توسعه یافته تاثیر معکوسی بر نرخ تورم دارد. شاخص حاکمیت قانون با تورم ارتباط منفی و معناداری دارد که این نتیجه بیانگر این موضوع است که مکانیزم حاکمیت قانون در کشورهای در حال توسعه و توسعه یافته تاثیر معکوسی بر نرخ تورم دارد. و میانگین‌های شاخص حکمرانی خوب با تورم ارتباط مثبت و معناداری دارد که این نتیجه بیانگر این موضوع است که مکانیزم میانگین‌های شاخص حکمرانی خوب تاثیر مثبت بر نرخ تورم در کشورهای در حال توسعه و توسعه دارد.

همان‌طور که عنوان شد با استفاده از میانگین‌های حسابی شاخص‌های حکمرانی خوب، شاخص کلی حکمرانی به دست آمد. و نتایج این تخمین بیانگر ارتباط مثبت و معناداری بین حکمرانی خوب و نرخ تورم است، لذا نتیجه می‌گیریم به طور کلی شاخص‌های حکمرانی خوب اثر معناداری بر تورم در کشورهای در حال توسعه و توسعه یافته دارد.

## منابع

- سبحانی، اعتصامی و امین پور (۱۳۹۲). بررسی اثر حکمرانی خوب و اندازه دولت بر توسعه مالی در کشورهای منتخب. فصلنامه علمی پژوهشی، پژوهش های رشد و توسعه اقتصادی، سال سوم، شماره دوازدهم. صفحات ۱۰۵ - ۱۱۸.
- برادران شرکا، حمید رضا و ناصرعلی یداله زاده طبری (۱۳۹۰). هدفگذاری تورم بر عملکرد اقتصاد کلان: تورم و رشد تولید. تحقیقات اقتصادی، دوره ۴۶، شماره ۹۵، صفحات ۲۷۲-۲۴۳.
- برادران شرکا، حمیدرضا و ملک الساداتی، سعید (۱۳۸۶). حکمرانی خوب، کلید توسعه آسیای جنوب غربی راهبرد. جلد ویژه بررسی های اقتصادی، شماره ۴۶، صفحات ۳۸۴-۲۵۹.
- پورکاظمی، محمدحسین، اثن عشر یامیری، ابوالقاسم، احسانفر، محمد حسین و اصغر ابوالحسن هستیانی (۱۳۹۱). آنالیز حساسیت بهینه سازی تولید و تورم در اقتصاد بر مبنای یک مدل کنترل بهینه. پژوهشهای رشد و توسعه اقتصادی، سال دوم، شماره ۸، صفحات ۹۴-۸۳.
- جعفری صمیمی، احمد، محمدعلی احسانی، امیرمنصورطهرانچیان و سامان قادری (۱۳۹۳). اثرات نامتقارن کل های پولی دیویژیا بر تورم در ایران: کاربرد روش چرخشی مارکوف. فصلنامه علمی پژوهشی، پژوهشهای رشد و توسعه اقتصادی، سال چهارم، شماره ۱۶.
- حسینی نسب، سید ابراهیم و حاضری نبیری (۱۳۹۱). اصلاح یارانه حامل های انرژی بر تورم و تولید ناخالص داخلی. پژوهشهای رشد و توسعه اقتصادی، شماره ۷، صفحات ۱۴۸-۱۲۵.
- حیدری، حسن، رعنا اصغری و رقیه علی نژاد (۱۳۹۴). بررسی تاثیر اثربخشی دولت بر نرخ تورم در کشورهای منتخب منطقه MENA. فصلنامه پژوهشنامه اقتصادی، سال پانزدهم، شماره ۵۷، تابستان ۱۳۹۴، صفحات ۱۹۲-۱۶۵.
- دانایی فرد، حسن، باباشاهی، جبار، آذر، عادل، کردنائیچ، اسدالله (۱۳۹۱). تحول در رفاه ملی: آیا حکمرانی خوب نقش مهمی ایفا میکند؟ مجله پژوهشهای مدیریت ایران، ۶۲-۴۵.
- دقیقی اصلی، علیرضا، غلامرضاگرایی نژاد، سلین آقابگیان (۱۳۹۱). اثر حکمرانی خوب بر سطح فساد اقتصادی در کشورهای با سطح توسعه یافتگی متوسط. فرایند مدیریت و توسعه، دوره ۲۶، شماره ۴، پیاپی ۸۶.
- رزمی، محمد جواد، صدیقی، سمیه (۱۳۹۱). الزامات تحقق حکمرانی خوب برای دستیابی به توسعه انسانی. چهارمین همایش ملی اقتصاد، دانشگاه آزاد اسلامی واحد خمینی شهر.
- رضائی، مهدی (۱۳۸۶)، «تاثیر حکمرانی خوب بر جذب سرمایه گذاری مستقیم خارجی به ایران»، فصلنامه علمی پژوهشی رفاه اجتماعی، سال هفتم، شماره ۲۶.
- سامتی، مرتضی، رنجبر، همایون، محسنی، فضیلت (۱۳۹۰). تحلیل تاثیر شاخص های حکمرانی خوب بر شاخص توسعه انسانی، مطالعه موردی: کشورهای جنوب شرقی آسیا. نشریه پژوهشهای رشد و توسعه اقتصادی، صفحات ۲۲۳-۱۸۳.
- سبحانی، بهرام، دکتر منصوراعتصامی و خالد امین پور (۱۳۹۲). بررسی اثر حکمرانی خوب و اندازه دولت بر توسعه مالی در کشورهای منتخب. فصلنامه علمی پژوهشی، پژوهشهای رشد و توسعه اقتصادی، سال سوم، شماره دوازدهم.
- سرآبادانی، غلامرضا (۱۳۸۵). تورم، عوامل، و راهکارهای مقابله با آن در ایران. فصلنامه اقتصاد اسلامی، سال ششم.
- سهیلی، کیومرث، الماسی، مجتبی و مریم سقایی (۱۳۹۱). ارزیابی اثر تورم انتظاری، رشد نقدینگی، تورم وارداتی، شکاف تولید و نرخ ارز بر نرخ تورم در ایران. شماره ۱۳، صفحات ۶۰-۳۹.
- عمادزاده، مصطفی، سعید صمدی و بهار حافظی (۱۳۸۴). بررسی عوامل (پولی و غیرپولی) موثر بر تورم در ایران. پژوهشنامه علوم انسانی و اجتماعی، سال پنجم، شماره نوزدهم.
- عیسی زاده، سعید و احمد زاده، اکبر (۱۳۸۸). بررسی اثر عوامل نهادی بر رشد اقتصادی با تأکید بر نهادهای حاکمیتی. فصلنامه پژوهش های اقتصادی ایران، جلد ۳، شماره ۴۰، صفحات ۲۸-۱.
- کمیجانی، اکبر، سلاطین، پروانه (۱۳۸۹). بررسی تأثیر حکمرانی بر رشد اقتصادی در ایران و کشورهای منتخب همسایه (ترکیه و پاکستان)، فصلنامه علمی مدیریت، سال هفتم، شماره ۲۰، ص ۲۷-۴۱.
- فاضلی، محمد و محدثه جلیلی کناری (۱۳۹۱). تبیین سطح فساد: بررسی تطبیقی اثر کیفیت حاکمیت و حکمرانی خوب. فصلنامه راهبرد اجتماعی فرهنگی، سال دوم شماره پنجم.

- قاضی طباطبائی، محمود، نصرتی، روح اله، کاظمی، علی (۱۳۹۱). ارزیابی الگوی نظری حکمرانی خوب در تبیین وضعیت توسعه انسانی. *مجله توسعه روستایی*، ۵۲-۳۹.
- کمیجانی، اکبر و دکتر پروانه سلاطین (۱۳۸۹). تاثیر حکمرانی خوب بر رشد اقتصادی در گروه کشورهای منتخب OPEC و OECD. *فصلنامه مدل‌سازی اقتصادی*، سال دوم، شماره‌ی دو، صفحات ۲۴-۱.
- کمیجانی، اکبر و یزدان نقدی (۱۳۸۸). بررسی ارتباط متقابل بین تولید و تورم در اقتصاد ایران (با تاکید بر تولید بخشی). *پژوهشنامه‌ی علوم اقتصادی*، سال نهم، شماره‌ی ۱.
- مبارک، اصغر؛ آذر پیوند، زیبا (۱۳۸۸). نگاهی به شاخص‌های حکمرانی خوب از منظر اسلام و تأثیر آن بر رشد اقتصادی. *فصلنامه علمی پژوهشی اقتصاد اسلامی*، سال نهم، شماره ۳۶.
- متفکرآزاد، محمدعلی، احمداسدزاده، سعید گرشاسبی فخر (۱۳۹۲). تاثیر حکمرانی خوب بر تولید ناخالص داخلی. *دوفصلنامه جامعه‌شناسی اقتصادی و توسعه*، سال دوم، صفحات ۱۴۴-۱۲۵.
- محنت فر، یوسف و سیده وجیهه میکائیلی (۱۳۹۲). ارزیابی ارتباط نرخ تورم و شکاف تولید در ایران. *فصلنامه سیاست‌های مالی و اقتصادی*، سال اول، شماره ۳، صفحات ۱۱۶-۹۷.
- میدری، احمد (۱۳۸۳). تغییر در سیاست‌های بانک جهانی و پیدایش نظریه حکمرانی خوب. *نامه مفید*، شماره ۴۲.
- میدری، احمد، جعفر خیرخواهان (۱۳۸۳). حکمرانی خوب بنیان توسعه، مرکز پژوهش‌های مجلس شورای اسلامی، چاپ اول.
- موسوی آزاد کسمایی (۱۳۷۸). رابطه بین کسر بودجه و رشد اقتصادی در ایران. *مجله روند*، سال نهم، شماره ۲۶ و ۲۷، صفحات ۷۳-۵۳.
- مهدوی عادل، محمد حسین، محمدحسین حسین زاده بحرینی و افسانه جوادی (۱۳۸۷). تاثیر حکمرانی خوب بر جذب سرمایه گذاری مستقیم خارجی در کشورهای با درآمد متوسط. *مجله‌ی دانش و توسعه (علمی-پژوهشی)*، سال پانزدهم، شماره‌ی ۲۴.
- نصرافهانی، رضا و کاظم یآوری (۱۳۸۲). عوامل اسمی و واقعی موثر بر تورم در ایران-رهیافت خودرگرسیون برداری (VAR). *پژوهش‌های اقتصادی ایران*، شماره ۱۶، صفحات ۱۰۰-۶۹.
- Alesina, A., Hems, L. C., & Chinnock, K. (1997). *The political economy of high and low growth*. Washington DC.
- Atkinson, A. B. (1970), On the Measurement of Inequality, *Journal of Economic Theory*, Vol. 2, PP. 244-263.
- Atkinson, A. B. (1983), *The Economics of Inequality*, 2nd Edition, Clarendon Press, Oxford.
- Angeriz, A. & P. H. Arestis (2008), Assessing Inflation Targeting Through Intervention Analysis, *Oxford Economic Papers*, Vol. 60, No. 2, PP. 293-317
- Blackburn, K. and J. Powell (2011), Corruption, Inflation and Growth, *Journal of Economic Letters*, Vol. 113, pp. 225-227.
- Gani, Azmat & Duncan, Ron, (2004), Fiji's governance index, Australian national university and the university of the South pacific at the university of the south pacific.
- Huynh, Kim P, Jacho-Chavez David T. (2009) "Growth and Governance: A Nonparametric Analysis", *Journal of Comparative Economics* No 37, 121-143.
- Knack, s. (Ed.) (2003), *Democracy, Governance and Growth*, Ann Arbor: The University of Michigan press.
- Knack, s. and keefer, p. (2003), Does social capital Have an Economic Pay of: A cross country empirical investigation, in knack, s. (E d), *Democracy Governance and Growth*, Ann Arbor: The university of Michigan Press.
- Ko-Hsin Yong. (2010). *Human Development and Government Effectiveness*. Oxford University Press, Washington DC.
- Mishkin, F. S. & S. M. Hebbel (2007), "One Decade Of Inflation Targeting in the World: What Do We Know And What Do We Need to Know?", In N. Loayza & R. Soto (Eds.), *Inflation Targeting: Design, Performance, Challenges*. Santiago, Chile: Central Bank of Chile.
- Mankiw, N. G.; Ball, L. & D. Romer (1991), "The New Keynesian Economics and the Output – Inflation Tradeoff", IMF Working Paper 2000.



دانشگاه پلی تکنیک سلیمانیه

## اولین همایش بین المللی

برنامه ریزی اقتصادی، توسعه پایدار و متوازن منطقه‌ای

رویکردها و کاربردها ( ۱۳ و ۱۴ اردیبهشت ماه ۱۳۹۶ )



دانشگاه کردستان

- Ottervik, Mattias Gottfrid. (2011). Good Governance and Human Development: The Case of China and India. Lund University, Department of Political Science.
- Rahmayanti, Y. and T. Horn (2011), "Expenditure Efficiency and the Optimal Size of Government in Developing Countries", *Global Economy and Finance Journal*, Vol. 4. No. 2, pp. 46-59.

